

صبح ایران

فرهنگی، هنری و اجتماعی
ویرانه‌ها
فرهنگی، هنری و اجتماعی
ویرانه‌ها



برنامه شبانه شبکه دو، محلی برای بحث پیرامون هنر، اندیشه، روایت و فرهنگ است

خوشنویسی
برای زندگی امروز

با علی شیرازی رویکردهای معاصر هنری را در تقابل هنرهای سنتی ایرانی بررسی کردیم

۱۱<

پس لرزه‌های مهاجرت

«نبودنت» مشکلاتی را که یک خانواده پس از مهاجرت عزیزان‌شان با آن روبه‌رو می‌شوند، نشان می‌دهد

۱۰<

پدر موشکی ایران
در آینه حقیقت

مستندهای تلویزیونی بسیاری، راوی زوایای مختلف زندگی شهید حسن طهرانی مقدم شده‌اند

۷<

نوا
زاویه دید

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

ولایت آخوند خراسانی علیه‌غرب‌باوران

از اشغال ایران به وسیله انگلیس و به‌ویژه روسیه دانسته‌اند، بعضی گزارشات نشان می‌دهد که آخوند خراسانی با مشاهده ناکارآمدی، هرج‌ومرج و فضای ضد دینی در مشروطه دوم، به‌تدریج از مشروطه روی برگردانده بود و حتی مبارزه با آن را توصیه می‌نمود اما آنچه از مکتوبات و سخنرانی‌های مرحوم آخوند خراسانی مستفاد می‌شود، آن است که او قطعا به ولایت فقها و حکومت سیاسی و معنوی فقیه جامع‌الشرایط اعتقاد داشته ولی در زمان نهضت مشروطیت، از آنجا که موقعیت چنان حاکمیتی موجود نبوده است و از طرف دیگر هم نهضتی به راه افتاده بوده که اولاً تحدید استبداد شاهی و رفع ظلم از مظلوم و برقراری عدالت را مد نظر داشته و ثانیاً در رأس آن گروهی از علمای اسلام قرار داشتند که برقراری احکام‌دین‌مبین را مد نظر گرفته بودند، حمایت از نهضت فوق را بر کار نداشتن و خنثی‌بودن ترجیح داد که بنا به نوشته خودش در تلگرافی در پاسخ به نامه اهل همدان،

«... سلطنت مشروطه و عدالت و مساوات در کلیه امور حسیبه، به شرع اقرب از استبداد است...»

یعنی درواقع مرحوم آخوند خراسانی چون شرایط را مناسب برای طرح ایده‌آل خود یعنی و انهادن حکومت به حکام شرع و به تعبیرایشان سلوک باحکام شرع باشد، نمی‌دید، آن را کتمان کرده و فقط به بیان وظیفه فعلی اکتفا کرده است:

«... نظیر به مصالح مکتبونه باید مطبویات خاطر را به مصلحه‌الوقت، کتمان کرده و بیان موجز تکلیف فعلی عامه مسلمین را بیان می‌کنیم...»

نگاه آخوند خراسانی براساس گزارش آقاجانی قوچانی نسبت به بنیاد حکومت در زمان غیبت، نگاهی دومرحله‌ای است. ایشان باتصریح به مناسب‌نبودن شرایط زمان و مکان برای طرح اصلی خود، فقط به بیان دیدگاه ثانوی و مصلحتی خود اکتفا کرده و براین اساس فقهای مسلمین و نفات مومنین را مرجع حل موضوعات عرفیه و امور حسیبه معرفی نمود، به‌سخن دیگر، می‌توان و بلکه باید میان اندیشه‌های مبنایی و مواضع مبتنی بر آنها و مواضع اضطراری و عملی متناسب با زمان تفکیک کرد، می‌توان گفت که ایشان به‌نوعی ولایت فقیه را محور اندیشه فقهی/سیاسی خود می‌دانست و شایان ذکر است که نقش فقیه در این طرح اولیه، ایجاد محوریت در تصمیم‌گیری در امور اجتماعی، تأمین‌کننده مشروعیت دینی برای مداخله در امور اجتماعی/سیاسی و به معنای نفی کارکرد عقلا و اندیشه‌ورزی آنها نیست اما باید دانست که از نظرایشان جایگاه نهادهی فقاقت باید محفوظ می‌ماند. یعنی نگاه آخوند خراسانی و شیخ عبدا... مازندانی به مشروطه در واقع دفع افسد به فاسد بوده است.



ملی فرصت طلبان و غرب‌گرایان در جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ که در قسمتی از آن آمده است:

«... بحمد... ایران مملکتی است اسلامی و قاطبه امر او سرداران عظام ملی و مجاهدین غیور و فداییان اسلام و قاطبه ملت با اتحاد عنصر غالب بر دیانت حقه اسلامی ثابت و راسخ و امتیاز مشروطیت و آزادی این مملکت جز براساس قویم مذهبی که ابدالدهر خلل‌ناپذیر است، غیر ممکن و حفظ بیضه اسلام و صیانت وطن اسلامی، همان تکلیفی را که در هدم اساس استبداد ملعون سابق مقتضی بود، در هدم این اداره استبدادیه مرکب از مواد فاسده مملکت و دشمنان دین هم به‌طریق اولی مقتضی است و عشاق آزادی پاریس، قبل از آن‌که تکلیف ا... عزامه درباره آنها طور دیگر اقتضا کنند، به سمت معشوق خود رهسپار و خود و ملتی را آسوده و این مملکت ویران را به غم خوارانش واگذارند تا به جبران آن شکستگی و تدارکات خرابی و سد نفوذش بپردازند...»

درواقع می‌توان تلگراف یادشده را منشور اسلامیت کشور و نظام سیاسی تعبیر نمود.

سرانجام آخوند خراسانی درحالی که پس از اولتیماتوم معروف روس در اواخر سال ۱۲۹۹ هجری قمری در تدارک حرکت به‌سمت ایران برای دفاع از هجمه کفار اشغال‌گرو براساس برخی گزارشات درصدد اصلاح مشروطه بود در ۲۰ ذیحجه، به‌صورت ناگهانی رحلت کرد. آقاجانی قوچانی در کتاب «برگی از تاریخ معاصر ایران» درباره فوت ناگهانی آخوند خراسانی می‌نویسد:

«... نظر غالب اطبا و حدس غالب ناس براین بود که آن بزرگوار را مسموم کرده‌اند...»

اما گروهی از نویسندگان که از شاگردان و اطرافیان آخوند نیز بودند، علت مرگ مجتهد خراسانی را ناراحتی‌های شدید وی

اما آخوند خراسانی که پس از مشروطه دوم و اطمینان از انحراف آن به‌سوی مشروطه انگلیسی، باسه جریان فرصت طلبان و غرب‌گرایان و استعمارگران به تقابل برخاست، مشروطه موردنظر خود را به‌صورت روشن‌تر تبیین نمود و به‌ویژه بر بخش اسلامیت نظام تأکید کرد.

برخی از اقداماتی که آخوند خراسانی در این جهت انجام داد، عبارت بودند از:

■ ارسال تلگراف برای پیگیری و مجازات عاملان انتشار مقاله جنجال‌برانگیز «اذا فسد العالم فسد العالم» در روزنامه «حیل المتین» تهران در اواسط ماه رجب

■ نامه به مجلس در خصوص لزوم انحصار قضاوت‌های شرعی به محاضر مجتهدین

■ ابراز نگرانی شدید از نفوذ عده‌ای منحرف در صفوف مشروطه‌خواهان و تبیین دقیق مشروطه از دیدگاه خود در اول ذیحجه ۱۳۲۷ هجری قمری

■ شکایت از افتتاح قمارخانه و مالیات بستن بر منکرات

■ تأکید بر اجرای حدود الهی

■ لزوم تهذیب مطبوعات از مسائل ضد دینی

■ حکم به فساد مسلک سیاسی سیدحسن تقی‌زاده و لزوم اخراج او از مجلس و تبعید به خارج کشور در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸

■ معرفی بیست نفر فقیه به مجلس به‌منظور تحقق اصل دوم متمم قانون اساسی درباره نظارت فائقه فقها بر مصوبات مجلس در ۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ هجری قمری

■ تلگراف بسیار مهم در نقد اهداف و برنامه‌های ضد دینی و



سیدمجتبی‌الاسلام
استادشاه و
گزارش‌سینما

دیپلماسی نسخ خطی در برابر جل تاریخ

اینهاردیابی و شناسایی شد. کارشکنی‌ها هم هست، از رده‌های پایین شغلی مثل کتابدار، مخزن دار و امین اموال گرفته تا رده‌های بالا مثل وزیر فرهنگ.

خوشبختانه در این زمینه ما انسان‌های دلسوزی داریم. مرحوم منزوی سال‌ها کار خیلی عظیمی را در شبه‌قاره انجام داد و کتابش هم چاپ شده ولی ای‌کاش آن کار ادامه پیدا می‌کرد. یا مثلاً کاری که عارف نوشاهی روی نسخه‌های خطی پاکستان انجام داد نوعی جهاد فرهنگی است ولی این کار با یک نفر یا چند نفر جواب نمی‌دهد. از آنجایی که می‌دانم بسیاری از این نسخه‌ها خیلی مهم‌اند و اصلاً می‌توانند روند خیلی چیزها را در تاریخ علم عوض کنند؛ علم به معنای طبقه‌بندی علم قدیم؛ یعنی حتی دین هم در این علم قرار می‌گیرد، علم ادب هم در این رده قرار می‌گیرد؛ بنابراین من واقعا فکر می‌کنم اگر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مثلاً بتواند چنین کاری بکند، واقعا یک کار جهادی و عاقبت‌بخیری تأیید کرده است.

ما آمار ناقصی از نسخه خطی به زبان فارسی داریم. مثلاً می‌دانیم بیشتر در هند و پاکستان است. اما به‌تازگی از طریق مؤسسه «ای‌سام» که درباره نسخ خطی کار می‌کنند، متوجه شدم فقط چیزی نزدیک به ۱۰ هزار نسخه خطی فهرست نشده فارسی در کتاب‌های وقفی ترکیه وجود دارد.

متأسفانه ما با روسیه و کشورهای استقلال یافته کمتر ارتباط داریم. خیلی دوست داریم که این ارتباط برقرار شود، چون آنها هم نسخه‌های زیادی دارند؛ جاهایی مثل ازبکستان، تاجیکستان، به‌خصوص قزاقستان خیلی زیاد نسخ دارند. اگر کسی ورودی آنها کار بکند اصلاً گنج است. اصلاً مزار خواجه احمد یسنوی در قزاقستان کتابخانه بوده، خانمی به نام قالیه قنبرک‌ووا که در کتابخانه و موزه ملی ملک سخنرانی داشت، به نقل از قدیمی‌های گفت که در زمان پاکسازی‌های استالین، مزار خواجه احمد یسنوی که کتابخانه بسیار بزرگی داشته، دو روز کامل از صبح تا شب فقط با تراکتور می‌آمدند کتاب می‌بردند و امحا می‌کردند! بعد ظاهراً یک نفر پیدا شده و بپوشکی آمده و مقداری از این کتاب‌ها را برداشته و نجات داده. اما همین امروز هم شاهد هستیم که هنوز در هند، در سمرقند ازبکستان و حتی در ایران یک‌سری کتاب‌های قدیمی را برمی‌دارند، کاغذش را می‌شویند که نوشته‌هایش پاک بشود تا برخی کشورها رویش تاریخ جعلی خودشان را بزنند!

برای رسیدن به نقطه مطلوب در زمینه گردآوری نسخ خطی فارسی، ما نیازمند آن هستیم تا با کشورهایی که نسخه‌های خطی در آنجا زیاد داریم روابط مستحکم‌تری داشته باشیم و تبادل اطلاعات از این نسخه‌ها جهت شناسایی و ثبت و نگهداری بیشتر شود. در مرحله اول شناسایی این نسخ و در مرحله بعد رآیزی برای دسترسی به آنها باید ه‌دفعند دنبال شود، مثلاً



نوشاد رکنی
رئیس کتابخانه
موزه ملی ملک

سفارت هندوستان در تهران بارها اعلام کرده که مشتاق همکاری در این رابطه بوده و فعالیت‌های فرهنگی ایشان در تهران هم مؤید این است.

در مراحل بعدی ما باید موضوع فهرستی‌نویسی شامل کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی را با کارشناسان حفاظت و یک تیم خیلی حرفه‌ای دنبال کرده و فهرست‌ها را برای حفظ این کتاب‌ها منتشر کنیم.

متأسفانه فهرستی‌نویسی‌ها در ایران به‌صورت سنتی است، یعنی شامل نام کتاب، نام مؤلف، نام کاتب، تاریخ تألیف، تاریخ کتابت، عنوان، موضوع و یک‌سری اطلاعات کلی در مورد خود نسخه نظیر جلد و کاغذ و خط و ارائه ... اینها است. اما وقتی فهرستی‌نویسی تفصیلی باشد، دیگر هر چیزی که مربوط به نسخه است اعم از این‌که مثلاً از این نسخه یا این رساله، چند نسخه دیگر در دنیا هست؟ در چه کتابخانه‌هایی هست؟ آیا کسی این را تا الان تصحیح کرده یا نکرده؟ چه کسانی روی این رساله یا این نسخه یادداشت گذاشتند؟ حواشی گذاشتند؟ این حواشی چیست؟ آیا مربوط به خود نسخه است یا نیست؟ چه کسانی مُهر مالکیت گذاشتند؟ و خیلی چیزهای دیگر... در آن ذکر می‌شود. در این ماجرا، زمان خیلی مهم است، چون با تغییر یک سیاست، کلاً همه چیز از بین می‌رود؛ به‌طور مثال سال ۱۹۵ از طرف مؤسسه روشن در آمریکا و انجمن نسخ خطی اسلامی (تیمما)، به‌صورت مشترک پروژه‌ای برای ساماندهی آرشیو ملی افغانستان تعریف شده بود و به این منظور دو سه هفته‌ای به آرشیو ملی افغانستان رفتیم. با وجود یک‌سری حواشی ناگزیر، نتیجه خیلی عالی بود و تقریباً ۳۰۰ نسخه انتخاب و فهرست شد. در اینترنت هم گزارش آن به زبان انگلیسی منتشر شد و الان موجود هست. یک دفعه وزیر کولتورشان (وزیر فرهنگشان) با ادامه کار با شرایط ما مخالفت و درخواست هزینه کلانی کرد. این شد که کار خوابید و ادامه پیدا نکرد.

از سوی دیگر در سطح مدیریت پایین، بسیاری از این نسخه‌ها الان قاجاق می‌شود و به کمک مؤسسه حمایت کتابخانه ملی قطر و ایفلا. مؤسسه حمایت در مورد قاجاق نسخه‌های خطی خاورمیانه. فعالیت می‌کند، تعدادی از

